

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۵ دسمبر ۲۰۲۲

حمله پولیس فرانسه به تظاهرات کردها در پاریس ساعاتی پس از «حمله تروریستی» به مرکز فرهنگی کرد احمد کایا!

پولیس فرانسه بعد از ظهر جمعه ۲۳ دسمبر ۲۰۲۲، برای متفرق کردن تظاهرکنندگان کرد در نزدیکی یک مرکز فرهنگی در پاریس، دست به خشونت زد و به سوی معترضان گاز اشک‌آور شلیک کرد. در تصاویری که از درگیری‌ها منتشر شده، پولیس به شکل وحشیانه‌ای تظاهرات‌کنندگان را بر زمین انداخته و کتک می‌زند. تجمع معترضان به دنبال تیراندازی روز جمعه در این محل صورت گرفت. در این تیراندازی سه نفر کشته و چهار نفر هم زخمی شدند. مرکز فرهنگی واقع در منطقه ۱۰ پاریس که تیراندازی در نزدیکی آن روی داد یک مرکز فرهنگی کردها به نام «مرکز فرهنگی کرد احمد کایا» است. فرد مهاجم پس از تیراندازی به مردم به سمت مغازه‌داران نیز شلیک کرده که در پی اقدام به موقع حاضران در محل بازداشت شده است. شاهدان عینی گفته‌اند این مهاجم یک مرکز فرهنگی و رستوران کردی را هدف گرفته بود. فرد مظنون را که ۶۹ سال دارد، دستگیر کرده است و در حال حاضر در بیمارستان تحت درمان است. جان‌باختگان این حمله، همگی تبعه ترکیه هستند و هویت یکی از آنان هنرمندی به نام «میر پرور» عنوان شده است. گفته می‌شود، امروز در خیابان مذکور اعضای حزب کارگران ترکیه (پ.ک.ک) برای برپایی مراسم سال‌گرد جان‌باختن «سکینه جانس» و سه تن دیگر از اعضای این حزب که در سال ۲۰۱۳ در پاریس به قتل رسیدند، گردهمایی داشتند. این سه نفر ۱۰ سال پیش مورد حمله سازمان اطلاعات ترکیه قرار گرفتند.



تهاجم پولیس به تظاهرکنندگان کرد، همزمان با حضور ژرالد دارمن، وزیر کشور فرانسه در محل تیراندازی روی داد. به گفته ژرالد دارمن وزیر کشور فرانسه، مردی که به‌عنوان عامل تیراندازی بازداشت شده است «به‌طور مشخص»

به دنبال «هدف گرفتن خارجی‌ها» بود. با این حال وزیر کشور فرانسه، تاکید کرد که با اطمینان نمی‌تواند بگوید که عامل تیراندازی این حمله را به دلیل «کرد بودن» قربانیان انجام داده است.

ژان لوک ملانتشون، سیاست‌مدار و رهبر حزب «فرانسه نافرمان» با انتشار پیامی در توئیتر ضمن ابراز خشم و اندوه از «حمله تروریستی» به مرکز فرهنگی کرد احمد کایا، با اشاره به این‌که «۱۰ سال پیش تقریباً همین امروز، سه رهبر کرد در قلب پاریس ترور شدند»، گفت: «بس است! از متحدان کرد خود هر جا که باشند حفاظت کنیم.»

الکساندرا کوردبارد، شهردار منطقه ۱۰ نیز به تلویزیون «BFM» گفته است که در این حمله، به یک آرایشگاه و یک رستوران در خیابان نیز شلیک شده است.

بر اساس گزارش دادستانی، نیروهای پولیس مرد مسلح را که نزد پولیس سوئیسینه داشته بازداشت کرده‌اند و بلافاصله پس از تیراندازی یک اسلحه، کشف و ضبط شده است.

در حالی که پولیس فرانسه اعلام کرده که عامل حمله پاریس یک تبعه فرانسوی بوده و در تلاش‌های قبلی به قتل دست داشته، دادستانی از اعلام شفاف تحقیقات خودداری کرده ولی گفته است که تحقیقات در زمینه ترور با انگیزه «نژادپرستانه» نیز در حال انجام است.

خبرگزاری «رویترز»، به نقل از دیوید ایندیک، وکیل مرکز جامعه کرد پاریس نیز گفته است که سه کشته این حمله مسلحانه، همگی از اعضای جامعه کرد پاریس هستند.

امانوئل ماکرون، رییس‌جمهوری فرانسه در واکنش به تیراندازی روز جمعه آن را به‌عنوان «حمله‌ای نفرت‌انگیز» علیه «کردهای فرانسه» محکوم کرد.

روزنامه اومانیتیه پیرامون این واقعه نوشت: بسیاری از شواهد نشان می‌دهند که حمله، حمله‌ای نبوده است که علیه خارجی‌های ساده انجام نمی‌شود، بلکه برعکس یک اقدام سیاسی است که به‌صراحت نه تنها کردها، بلکه مستقیم‌تر شورای دموکراتیک کرد فرانسه (CDKF) را هدف قرار داده است.

بر اساس اطلاعات روزنامه اومانیتیه یک خودرو ویلیام جی را جلوی مقر CDKF پیاده کرده است. او درست در زمانی که قرار بود گردهمایی بزرگ زنان کرد برای تدارک تظاهرات ۴ و ۷ جنوری به‌مناسبت دهمین سالگرد ترور سه فعال کرد برگزار شود، با اسلحه‌ای در دست از خودرو پیاده شده است. فیدان دوگان، ساکیله کانسیز و لیلیا سویلمز در قلب پاریس، در ۹ جنوری ۲۰۱۳ ترور شدند و عاملان این حمله هنوز مشخص نشده‌اند.

به نوشته این روزنامه، حدود شصت نفر از فعالان کرد قرار بود در همین مکان روز جمعه حضور داشته باشند. آیا قاتل از تاریخ و ساعت تجمع آن‌ها خبر داشته است؟ او نمی‌دانسته است که این گردهمایی به دلیل مشکلات RER به تعویق افتاده و یک ساعت دیرتر برگزار می‌شود. به این ترتیب از یک قتل‌عام جلوگیری شده است.

بریوان فیرات، سخنگوی روابط خارجی شورای دموکراتیک کرد فرانسه می‌گوید: ما در آستانه ۹ جنوری هستیم. ده سال پیش سه زن کرد به قتل رسیدند. این یک حمله دیگر به زنان است. اجازه ندهید کسی به ما بگوید که این فقط یک اقدام نژادپرستانه است. اگر حامیان قتل‌های ۹ جنوری ۲۰۱۳ پیگیری و مشخص می‌شدند، قتل‌های امروز رخ نمی‌داد.

متأسفانه با وجود درخواست قاضی بازپرس پرونده، راز این ترور هرگز فاش نشد. روابط بین سرویس‌های اطلاعاتی ترکیه، MIT، و فرانسه، DGSI، در وضعیت خوبی قرار دارد. سخنگوی روابط خارجی CDKF اشاره می‌کند، «ما به‌جای حمایت از کردها، آن‌ها را جرم‌انگاری می‌کنیم و اردوغان را تشویق می‌کنیم.» مرکز CDKF با وجود تهدیدهای همه‌جانبه تحت نظارت پولیس قرار نداشت.

بریوان فیرات تاکید می‌کند که آن‌ها «وظیفه اخلاقی دارند تا از کردهایی که خون خود را برای شکست دادن دولت اسلامی در کوبانی ریختند، محافظت کنند.»

تصاویر جدیدی از مورد حمله قرار دادن کردها در پاریس پایتخت فرانسه منتشر شد این فرد مسلح ابتدا به مرکز فرهنگی کوردی احمد کایا، حمله برد سپس به یک رستوران متعلق به کردها و سرانجام به یک آرایشگاه در همان کوچه حمله کرد.

بر طبق تصاویر ضبط شده از دوربین منزل رو به روی محل وقوع جرم حمله با یک اسلحه صورت گرفته است و چند گلوله شلیک شده و مشتریان خود را در پشت سالن پنهان می‌کنند، در همان لحظه یک نفر فرار می‌کند و بقیه به شخص مسلح حمله و وی را خلع سلاح می‌کنند.

تصاویر گویای این است که یک شخص از ناحیه شکم زخمی می‌شود، به پولیس اطلاع داده می‌شود که شخص متجاوز توسط مردم دستگیر شده است. اما طبق تصاویر دیده شده که فرد متجاوز توسط مغازهدار ایزوله می‌شود و پولیس بسیار دیر به محل حادثه می‌رسد.

شورای دموکراتیک کرد فرانسه فراخوانی برای تظاهرات در ظهر امروز شنبه ۲۴ دسمبر در میدان جمهوری پاریس منتشر کرده است.

این کشتار را ادامه کشتار نهم جنوری که در آن سکینه جانسیز، لیلای شایلمز و فیدان دوغان به قتل رسیدند، قلمداد کرده و می‌افزاید که مسؤلیت این قتل عام نیز بر گردن AKP-MHP و MIT است.



احتمالاً این حمله توسط دولت ائتلافی حزب حاکم عدالت و توسعه (AKP) و شریک سیاسی آن حزب فاشیستی حرکت ملی (MHP)، البته با دستور رجب طیب اردوغان رئیس جمهوری فاشیست ترکیه صورت گرفته است.

به دلیل این که این اقدام تروریستی و کشتار مردم کرد در پاریس، و آن هم در ۹ جنوری ۲۰۱۳، سالگرد ترور سه چهره سرشناس کرد، نمی‌تواند بی‌ارتباط با دولت ترکیه و سازمان اطلاعاتی آن باشد. دولت ترکیه با حمله‌ای که در ۹ جنوری ۲۰۱۳ در پاریس انجام داد و ۳ کرد انقلابی را ترور کرد. این ترور نیز احتمالاً مانند ترور ۹ جنوری ۲۰۱۳ توسط دولت فاشیست ترکیه و دولت فاشیستی AKP-MHP سازمان‌دهی و اجرا شده است. در این روزها و در جایی مانند پاریس، همه جا تحت نظارت اطلاعاتی و امنیتی است چنین حمله‌ای حیرت‌انگیز و شوک‌آور است.

ترور ۹ جنوری ۲۰۱۳، توسط دولت ترکیه و سازمان اطلاعاتی و امنیتی آن (MIT) انجام شد، اما این ترور هرگز توسط دولت فرانسه روشن نشد و حقیقت آن فاش نشد. بنابراین، محل وقوع این کشتار در نزدیکی محل کشتار ۹ جنوری و همچنین همزمانی آن در سالگرد کشتار ۹ جنوری، سؤال برانگیز و شایان توجه است.

سال‌هاست که دولت فاشیست AKP-MHP، یک جنگ فرسایشی و ناربابری نه تنها علیه مردم کرد ترکیه و پ.ک.ک، بلکه در روزاوا و اقلیم کردستان عراق نیز راه انداخته است.

لازم به تاکید است که در سال آینده میلادی، انتخابات سراسری ترکیه برگزار خواهد شد به همین دلیل رجب طیب اردوغان باز هم شمشیر خود را از رو بسته است تا با سرکوب مخالفین و انزوای رقبایش و احیانا با راه انداختن طرح‌ها و توطئه‌هایی همانند چند سال پیش با راه انداختن شبه‌کودتای کنترل شده، باز هم حاکمیت دیکتاتوری خود را حفظ کند. از جمله حملات جدیدی را علیه حزب دموکراتیک خلق‌ها آغاز کرده است.

هیات اجرایی حزب دموکراتیک خلق‌ها در رابطه با لغو مصونیت پارلمانی سمرا گوزل، نماینده این حزب در حوزه انتخابیه آمد (دیاربکر) بیانیه‌ای را با عنوان سمرا گوزل اراده خلق‌مان است و ذهنیت کودتاگر را به ناگزیر به پاسخ دادن خواهیم کرد، منتشر کرده است.

در بیانیه اعلام شده است که لغو مصونیت سیاسی سمرا گوزل حلقه جدیدی از کودتای سیاسی است و پارلمان بار دیگر با کودتای سیاسی دیگری مواجه شده است. در ادامه بیانیه آمده است که لغو مصونیت سیاسی سمرا گوزل یادآور لغو مصونیت سیاسی لایلا گوون و موسی فارس اوغوللاری بوده و این تصمیم نشان‌دهنده عقلانیتی است که حزب حاکم عدالت و توسعه (آ.ک.پ) از شرکای خود گرفته است. این تصمیم دشمنی با خلق کرد است. کودتایی علیه خلق کرد و علیه اراده سیاسی برای زندگی است.

در ادامه این بیانیه آمده است این کودتای سیاسی تنها در مقابل نماینده آنان و حزب آنان، در مقابل سیاست دموکراتیک نیز شکل گرفته است. اما تنها به حزبمان محدود نخواهد شد، ذهنیت کودتاگری و بی‌عدالتی در این اقدام بسیار مشهود است...

معاون ریاست مشترک حزب دموکراتیک خلق‌ها، «طیب تمل» اعلام کرد که آن‌ها در مبارزه خود در مقابله با انزوای اوجالان مصمم هستند و در این باره گفت: «دستور کار اصلی ما تامین آزادی خلق کورد و آقای اوجالان است. غیر از این راه جاره دیگری پذیرفتنی نیست.»

وی تاکید کرد که دقیقا ۲۱ ماه است که هیچ‌گونه اطلاعی از رهبر یک خلق در دست نیست، در رابطه با سلامتی وی نیز هیچ‌گونه اطلاعی در دست نیست. ما نمی‌دانم که در امرالی چه می‌گذرد.

طیب تمل در بخش پایانی سخنرانی خود اظهار داشت که خلق کرد ۴۰ سال است که مبارزه بی‌امان و بزرگی را ادامه می‌دهد. خلق کرد از اراده قدرتمندی در این باره برخوردار است. خلق کرد با اراده خود بدون تردید «آ.ک.پ» را در هم شکسته و مسیر نوینی را برای آزادی می‌گشاید. لازم است که همه منافع شخصی خود را به کناری گذارده و به صفوف مبارزه بپیوندند و مبارزه را هر چه بیشتر گسترش دهند. ما با مبارزه مصمم خود، آزادی خلق کرد و آقای اوجالان را تامین و حتمی خواهیم کرد.

در این مطلب نتوانستم به نقش مهم احمد کایا به‌عنوان یک شخصیت تاریخی هنری و مدافع آزادی و برابری انسان‌ها و مردم کرد، نپردازم. به‌خصوص دادگاهی کردن احمد کایا و دفاعیه تاریخی وی، یک سند مهم تاریخی بر علیه همه دولت‌های فاشیست ترکیه از جمله دولت فعلی است.

احمد کایا، هنوز خواننده محبوبی‌ست در میان مردم خاورمیانه به ویژه کردها و ترک‌ها. کایا در سن ۱۴ سالگی تحت تاثیر جو سیاسی آن زمان ترکیه که ناشی از دو کودتای پی‌درپی به‌نام «کنعان اورن» اولین اشعار رسمی خود را سرود. ژنرال کنعان اورن، فرمانده کودتای سپتامبر ۸۰ ترکیه بود و پس از پایان کودتا نیز به‌مدت شت سال رییس جمهور ترکیه شد. هم‌زمان شغل‌هایی از قبیل رانندگی کامیون، فروشنده‌گی و ... را تجربه می‌کند. در سال ۱۹۸۵ تصمیم به انتشار آلبومی از کارهایش را می‌گیرد و راهی خیابان اون کاپی (محله هنری استانبول) می‌شود. در آخر با کمک تعدادی از دوستان خودش آلبوم نخست خود را با نام «گریه نکن کوچولو» را ضبط و منتشر می‌کند. این آلبوم

به سرعت از طرف دولت وقت ترکیه توقیف و جمع‌آوری می‌شود. اعتراض‌های مکرر کایا نتیجه می‌دهد و کار به رسانه‌ها کشیده می‌شود و دادگاه رای لغو توقیف آلبوم را صادر می‌کند. استقبال فوق‌العاده از این آلبوم، کایا را در راهی که انتخاب کرده مصمم‌تر می‌کند. از آن تاریخ به بعد، کایا به‌عنوان صدای مردم پایین دست جامعه و کردهای لگدمال شده کشور ترکیه در می‌آید.

وی خوانندگی را به‌عنوان سلاحی برای مبارزه با سرکوب و اختناق و ناعدالتی‌های اجتماعی و کردستیزی حاکم بر جامعه‌اش برمی‌گزیند و بارها دستگیری و حبس و توقیف آلبوم‌ها و لغو کنسرت‌هایش را تحمل می‌کند. کنسرت‌هایی که گه‌گاه مجوز اجرای‌شان را دریافت می‌کرد در سرتاسر کشور با استقبال بسیار بالایی مواجه می‌شد. او همواره پا برهنه بر صحنه کنسرت‌هایش ظاهر می‌شد و انگشتانش را به نشانی پیروزی بالا می‌گرفت. سبک‌های مختلفی را در موسیقی تجربه کرد. از موسیقی محلی و سنتی گرفته تا رپ و راک که البته در همه آن‌ها موفق بود.

به غیر از ترانه‌های خودش، از سروده‌های شاعران و ترانه‌سرایان نامی و معتبر و ترک‌زبان مانند ناظم حکمت، اورهان ولی، احمد‌عارف، انور گوکجه، حسن حسینی گیل، نواز چلیک، آتیلا ایلهان، اولکو تامیر، یوسف هایال اوغلو، جان یوجل، علی چینار، اورهان اکوتان و همسر وفادارش گلتن هایال اوغلو هم استفاده می‌کند.

آلبوم‌هایش در ردیف پرفروش‌ترین آلبوم‌های سال قرار می‌گیرد. سرانجام آلبوم چهاردهم وی با نام (ترانه‌ام برای کوه‌ها) رکورد فروش را در سال ۱۹۹۴ می‌شکند و ۱/۵ میلیون کاست فروش، پرفروش‌ترین کاست قرن می‌شود. هر ترانه‌ای که اجرا می‌کند به یک حادثه بدل می‌شود و از دادگاه‌ها برایش اقامه دعوا می‌شود. به قول خودش نشانی دوم او اداره امنیت و ملی ترکیه است. حکومت ترکیه رفته‌رفته مجبور می‌شود مزاحمی به نام احمد کایا را بپذیرد و ترانه‌های گزنده و ظلم‌ستیز او را تحمل کند. در سرتاسر جهان اقدام به برگزاری کنسرت می‌کند و همواره بر آرمان اولیه خود تاکید دارد. در این سال‌ها چندین جایزه از فستیوال‌های مختلف داخلی و خارجی دریافت می‌کند.

در یک کنسرت مراسم به روال عادی پیش می‌رفت که نوبت به احمد کایا رسید. احمد بعد از دریافت جایزه این جملات را در سالن فریاد می‌زند:

من یک ترانه کردی (کاروان) در آلبوم جدیدم خوانده‌ام، برای این‌که خواننده‌ای هستم با ریشه کردی! شک ندارم کمپانی‌های موسیقی فراوانی در ترکیه مایل به پخش این آلبوم من هستند! ترکیه مشکلی با نام کردستان دارد و من هیچ وقت از بازگو کردن این مشکل برای کسانی که منکر حقیقتند، خسته نمی‌شوم. این جملات آغاز جنجالی بزرگ می‌شود. بعد از کایا، نوبت سردار ارتاج بود. وی برای دریافت پروانه طلایی بهترین خواننده حضور داشت. سردار بعد از گرفتن جایزه به بالای جایگاهی برای اجرای موسیقی رفته و اشعاری با مضمون مدح و ستایش کمال آتا تورک خواند و کاملاً مشخص بود که این اشعار را در جواب جملات کایا خوانده است. بعد از این اشعار، شروع به خواندن مارش نظامی دولت ترکیه می‌کند. و با این کار، جو سالن را کاملاً علیه کایا می‌شورانند. ناگهان عده‌ای از هنرمندان حاضر در سالن با فریاد زدن کلمات خائن برو گمشو به سمت کایا یورش بردند. کایا در آنجا بسیار تنها بود. تنها یارانش در آن واقعه همسرش و آزادی بودند. دسیسه به وضوح چهره خود را نشان می‌داد. سرا نجام پولیس کایا را برای حفظ جان‌ش به بیرون برد. و کایا با چهره‌ای در هم شکسته با یک تاکسی به خانه برگشت.

فردای آن واقعه روزنامه‌ها تیترهای مختلفی علیه کایا تنظیم کردند. روزنامه حریت با تیتر «*vay serefsiz*» (وای بر تو بی‌شرف) و این عادلانه نبود، نقش مهمی در مسموم شدن افکار نسبت به احمد کایا داشت.

دادگاه امنیت ملی ترکیه جهت رسیدگی به اتهامات احمد کایا چه در آن شب و چه در سال‌های قبل از آن کایا را در ساعت ۴ صبح زیر باران شدید بازداشت کردند. وکلای کایا بعد از چند ساعت او را با قید وثیقه آزاد کردند قرار شد

احمد کایا در ۳۰ اپریل ۱۹۹۹ در دادگاه امنیت حاضر شده و به اتهامات وی رسیدگی شود. چیزی که واضح به نظر می‌رسید این است که آن واقعه دسیسه‌ای بیش نبود و دادگاه امنیت فقط به دنبال بهانه‌ای برای محاکمه کایا می‌گشت. موارد اتهام کایا از این قرار است:

*برگزاری کنسرتی در برلین المان در سال ۱۹۹۳ با مضمون حمایت از حزب کارگران ترکیه (پ.ک.ک)!
*خواندن ترانه‌ای کردی!

بالا بردن دست‌ها و نشان دادن علامت پیروزی در اکثر کنسرت‌ها! و....

احمد کایا در طول زندگی خود بارها از سوی دادگاه امنیت ملی جلب و بازداشت می‌شود. این اتفاق به قدری با زندگی وی درآمیخته شده بود که در مصاحبه‌ای گفت: (آدرس دوم من اداره امنیت ملی ترکیه است)



۳۰ اپریل موعد دادگاه بود. جلسه دادگاه به‌طور مستقیم در سرتاسر ترکیه پخش شد و مردم دفاعیه طولانی او را می‌شنوند. او این بار نمی‌خواند اما کلماتش به امواج اقیانوس می‌مانند که گاه آرامند و گاه اوج می‌گیرند و صخره‌ها را در هم می‌کو بند. همه شاهد صلابت سخنان او هستند. بخش‌هایی از دفاعیه او چنین است:

من برلین چاقو ایستاده‌ام! کسی که برای مردمش می‌جنگد. این دفاعیه را به خاطر بسپارید... از سال ۱۹۸۵ یک موسیقی‌دان حرفه‌ای بوده‌ام. ازدواج کرده‌ام و دو دختر ۱۷ و ۱۲ ساله دارم. صدها ترانه تصنیف کرده‌ام و برای بسیاری از آهنگ‌های خوانندگان دیگر ترانه نوشته‌ام. هفده آلبوم منتشر کرده‌ام که میلیون‌ها عدد از آن‌ها تکثیر و به فروش رفته است. کنسرت‌های زیادی در سرتاسر جهان (مانند فرانسه-بلژیک-کوبا و ...) اجرا کرده‌ام و بارها به‌عنوان خواننده سال از طرف دستگاه‌های مختلف انتخاب شده‌ام. چهل و دو ساله و ساکن ترکیه‌ام. به ترکی اندیشیده‌ام، به ترکی ترانه نوشته‌ام، به ترکی خوانده‌ام. من یک موسیقی‌دانم و یک شهروند جهان که خود را متعلق به هیچ قسمت جغرافیایی نمی‌داند و احساساتش نوع بشر را مخاطب قرار می‌دهد، نه گروه و قبیله‌ای خاص را. قلبم آن قدر بزرگ است که پذیرای خوبی‌های تمام زبان‌ها، فرهنگ‌ها و باورها و ترانه‌های جهان باشد. به من اتهامی زده شده است که زندگی مرا دگرگون کرده است. اتهام خیانت. مرا یک آدم تفرقه‌انداز، یک غلام حلقه به گوش و بی‌ادب و بی‌عقل و دیوانه و یک دلچک لوده خطاب کرده‌اند. این صفات را دسته‌جات سرشناسی به من نسبت داده‌اند. نگرش و کلام یک انسان که اساس تمام این اتهامات است در هیچ کشور متمدن و قانونمندی جنایت و اتهام به حساب نمی‌آید. من در آلبوم جدیدم ترانه‌ای کردی خوانده‌ام به این دلیل ساده که یک کردم. ویدیویی هم از آن تهیه کرده‌ام. اعتقاد دارم مردمانی در میان ما هستند که دل پخش کردن آن را از شبکه‌هایشان داشته باشند. اگر چنین نکنند باید در کرد بودن و انسان بودنشان شک کرد. آیا اشخاصی که با خائن و تفرقه‌پراکن و دشمن دانستن من، احساسات منفی علاقه‌مندانم را تحریک می‌کنند و باعث جدایی طبقاتی و نژادی می‌شوند در اقلیت نیستند؟ آن میلیون‌ها نفری که به حرف‌های من گوش می‌دهند جزو مردم نیستند؟ من در آن سالن «محل اهدا جوایز» از شنیدن جمله خائن برو بیرون به خشم آمدم چون این جمله را از دهان افرادی شنیدم که

تا کلمه کرد را می‌شنوند ناسزا می‌گویند. از همین جا به آن‌ها می‌گویم که کوتاه نخواهم آمد تا آن‌ها واقعیت وجود کرد را بپذیرند. به اعتقاد من دقیقاً همین افراد بودند که عبارت برادری را لگدمال کردند و باعث به‌وجود آمدن شکاف در فرهنگ مشترک کشور ما شدند. بزرگترین سلاح یک خواننده ترانه اوست و من اجازه نخواهم داد ترانه‌هایم را این‌گونه تفسیر کنند و معانی دیگری به آن‌ها ببخشند. تصور کنید که اعلام می‌کردم ترانه‌ای به زبان ایتالیایی، عربی یا انگلیسی خواهم خواند، آیا باز هم چنین جنجالی به راه می‌افتاد؟ من همیشه ترانه اجتماعی خوانده‌ام و با هر چیزی که در کشورم رخ داده و دلالت بر بدی داشته مخالفت آشکار کردم. هر وقت هم که رشد و توسعه‌ای دیدم نظرم را در مورد آن بیان کردم. ترانه‌هایم نیز همین‌ها را در خود داشته‌اند. این اتهام و کیفر خواست به اعتقاد من تلاش تعدادی از کانال‌های تلویزیونی برای پیدا کردن چیزی در جملاتم بوده تا با آن سریال تلویزیونی بسازند. اگر من در تمام کنسرت‌های چند هزار نفری‌ام چیزی گفته بودم که باعث ایجاد تفرقه در بین مردم می‌شد، می‌توانستم قبول کنم که این اتهامات حقیقت دارند... ولی چنین نیست. وقتی ضبط ویدئویی اجرای آن شب به وسیله یک ذهن روشن و منصف بررسی و تحلیل شود می‌بینیم که توطئه‌های علیه من شکل گرفته. فکرش را بکنید که خواننده‌ای در هر کجای جهان اعلام می‌کرد که از این به بعد بلوز یا جاز خواهد خواند آیا از این جمله برداشت می‌شد که او مردم را تحریک کرده است؟ موسیقی یک زبان جهانی است و هیچ ترانه‌ای نمی‌تواند مردم جهان را جدا و دسته‌بندی کند. اگر آنانی که در آن شب به من حمله کردند یک لحظه به وجدان‌شان رجوع کنند و دست از تقسیم کردن انسان‌ها به ما و آن‌ها بردارند، جامعه سالم‌تری خواهیم داشت. من به‌عنوان یک مرد ۴۲ ساله با دو بچه که تنها از طریق موسیقی امرار معاش می‌کند در کارم حرفه‌ای هستم و مالیات هم پرداخت می‌کنم. درآمد سالیانه‌ام از طریق یک آلبوم و برگزاری چند کنسرت تامین می‌شود و درآمد دیگری ندارم. من مسؤولیت زیادی نسبت به آینده فرزندانم دارم و هیچ وقت اجازه نمی‌دهم که کسی به حرفه من توهین کند. تا به‌حال حتی یک پنی هم برای حمایت از هیچ سازمانی پرداخت نکرده‌ام «منظور پ.ک.ک است» و تمام اتهامات این گونه را رد می‌کنم. هنرمندان در همه جای دنیا یک زبان و یک سبک اجرای خاص دارند که از طریق آن احساسات خودشان را بیان می‌کنند. من این خاطر که اشتیاق مخاطبینم را در کنسرت‌ها نشانه موفقیتیم می‌دانستم با علامت پیروزی به آنان خوش آمد می‌گفتم. این علامت مشخصه من شده که لابد در تمام شوهای تلویزیونی‌ام هم آن را دیده‌اید. تازه این علامت یک خوش‌آمد تکراری و قالبی است که در سراسر جهان توسط سیاست‌مداران، هنرمندان و قهرمانان ورزشی به کار می‌رود. این علامت V که در ابتدای کلمه victoria به معنای پیروزی است و نباید در آن پی معنای دیگری بگردند. در بخشی از ترانه «دچار درد سر شدم» گفته بودم: «به کمیسر تو بارونیش/داره میاد سراغ من/ با گوله‌های قانونیش» در کنسرتم «آن را این‌گونه خواندم: «ترکیه باز با جمهوریش/ داره میاد سراغ من/ با گوله‌های قانونیش.» فکر نمی‌کردم چنین تغییر کوچکی جرم به حساب بیاید چون همه کمیسرها واقعا از گلوله استفاده می‌کنند حتی پولیس‌های جمهوری ترکیه! در بخش دیگری از این ترانه گفته بودم: «آدم‌کشی با ریش چرک مشغول گشت رو سینمه» و در اجرای زنده به‌جای آدم‌کش، کلمه کمیسر را جایگزین کردم. چون واقعا هر دوی آن‌ها «آدم‌کش» و «کمیسر» می‌توانند ریش چرک داشته باشند... تازه کل این سطر یک شوخی و نیش طنزآلودی بیش نیست. سال‌ها پیش در ترانه‌ای از من عبارت «شاهزاده مسخره» آمده بود... وقتی می‌خواستم آن را در آلبومی اجرا کنم به اشکال برخوردیم و تنها وقتی که آن را به «شاهزاده ژولیده» تغییر دادم، مجوز اجرا دریافت کرد! به عقیده من نویسندگان قانون ترکیه هم باید پاسخ‌گوی نکات طنزآمیز موجود در نوشته‌هایشان باشند! مردم ما باید بفهمند که چه قدر از جهان امروز به دور هستند تا دیگر نگران تجزیه کشور آن هم به وسیله یک ترانه کردی نباشند. چنین نگاهی به هنر باید از بین برود. به یک هنرمند باید فضای تنفس داد. هر سیستم قانونی که بر اساس وجدان بنا شده باشد نمی‌تواند یک موسیقی‌دان را که سال‌ها مخالفت

خود را با تجزیه کشور اعلام کرده است متهم کند. من آنچه که دیگران زمزمه می‌کنند را فریاد می‌زنم. ما در این کشور زندگی می‌کنیم و اگر حقایق را بفهمیم زندگی و کشور بهتر و پیشرفته‌تری خواهیم داشت. به‌نظر می‌رسد که من هم باید از این به بعد در تغییر دادن ترانه‌هایم محتاط‌تر باشم و در واقع دیگر اجازه چنین تغییرات کوچکی را هم نخواهم داشت. ولی آیا شما انتظار دارید من تحت این شرایط احساس آزادی کنم؟!

این دادگاه با تشکیل خود دلایل و منطق و قضاوت عادلانه را نادیده گرفته و تمام قوانین جهانی را نقض کرده است. «من هم ترک می‌کنم کشوری را که در آن مرا تفرقه‌انداز و خائن خطاب کرده‌اند آن هم بر اساس قضاوت در مورد آثاری که در کنسرت‌های سال‌ها پیشم اجرا کرده‌ام...»

بعد از پایان دفاعیه دادگاه در سکوت فرو می‌رود و بعد از ۵ دقیقه تنفس ممنوع‌الخروج بودن کایا لغو و ادامه دادرسی به ۱۶ ژوئن همان سال موکول می‌گردد.

احمد کایا چند روز بعد از دادگاه برای برپا کردن تور کنسرت‌هایش در اروپا به فرانسه سفر می‌کند و تا موعد جلسه بعدی دادگاه به ترکیه بر نمی‌گردد. دادگاه امنیت ملی ترکیه او را به‌صورت غیابی به تحمل ۱۰ سال زندان محکوم می‌کند غافل از این‌که این هنرمند بزرگ هرگز به سرزمینی که به آن عشق می‌ورزید باز نخواهد گشت.

کایا در مجموع ترانه‌سرایی و آهنگ‌هایی که برای ما به یادگار گذاشته است در مجموع ۲۷ آلبوم را منتشر کرده است معروف‌ترین آلبوم او نام آن ترانه‌هایم برای کوه‌ها است که آهنگ به سال ۱۳۹۴ آن بیش از یک و نیم میلیون کاست را به فروش گذاشته است و جزو پرفروش‌ترین آلبوم‌های تاریخ موسیقی ترکیه محسوب می‌شود.

احمد کایا همان‌گونه که عنوان شده یک خواننده فوق‌العاده کرد زبان و ترک زبان بود. کایا در سال ۱۹۸۷ در پی آشنایی با یوسف هایپال او غلو فصل جدیدی را در زندگی هنری خود تجربه کرد و در این سال آلبومی فوق‌العاده تحت نام «به پا می‌خیزیم» را منتشر کرد. این آلبوم که بیش‌تر شعرهایش از هایپال او غلو بوده در شرایط انسداد شدید سیاسی ترکیه منتشر شد و او را در زمره خوانندگان برتر و معترض علیه شرایط موجود ترکیه قرار داد. حضور وی در هر مکانی مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد چرا که او با حرف‌هایش مخالفان آزادی را در ترکیه مورد رنج و آزار قرار می‌داد به همین دلیل، کایا سال‌ها از اجرای کنسرت در داخل ترکیه محروم شده بوده و به گونه‌ای او را ممنوع صدا کرده بودند. وی در یک برنامه تلویزیونی خود او اعلام کرد که همیشه کفن خود را با خود حمل می‌کند و در هر لحظه آماده مرگ در راه آزادی است.

متأسفانه در ۱۶ نوامبر ۱۹۹۹، جسد احمد کایا را در اتاق هتل در پاریس پیدا می‌کنند. علت مرگ او ایست قلبی اعلام می‌شود. اما عاشقان آزادی و انسانیت مسکوت‌شده جهان علت مرگ او را می‌دانند. پیکرش را در گورستان معروف پرلاشز دفن می‌کنند. کیلومترها دورتر از مردمی که عمر خود را به آفرینش‌گری برای آن‌ها گذرانده است.

همچنین البته بسیاری از مقامات دولتی ترکیه و روزنامه‌نگاران آن‌زمان این مرگ را یک مرگ طبیعی جلوه داده‌اند اما عده زیادی بر این باور بودند و هستند که احمد کایا را از طریق مسمومیت مورد حمله و ترور قرار داده‌اند. البته تا به امروز طرفداران احمد کایا پیگیر این مسئله بوده و هر از چند گاهی مطالبی در این مورد چاپ و منتشر می‌کنند.

همسر وی با بازگرداندن جنازه احمد کایا به ترکیه مخالفت نمود و اعلام کرده است که ترکیه کنونی شایستگی آن را ندارد که مرد بزرگی چون کایا در آن دفن گردد و تا زمانی که شرایط چنین باشد وی این اجازه را نخواهد داد. یاد احمد کایا، همیشه گرامی است!



همکاری‌های اردوغان با گروه تروریستی داعش در رابطه با قاچاق نفت سوریه به ترکیه و دیدار پسر اردوغان با داعشی‌ها

در پایان روشن است که مردم کردستان و حامیان آن نسبت به این جنایت واکنش نشان دهند تا دولت فرانسه مجبور شود واقعیت پشت پرده این ترور را به اطلاع افکار عمومی برساند. نباید گذاشت این ترور نیز مانند ترور ۲۰۱۳ به فراموشی سپرده شود.

در فرایند کنونی که انقلاب نوین ایران به رهبری زنان با شعار «ژن، ژیان، آزادی» در تمام جهان تحت فلسفه و سیاست‌های عبدالله اوجالان (آپو-عمو) نه تنها سراسر ایران، بلکه در منطقه و جهان نیز طنین‌انداز شده است اگر این ترور، جواب مناسب نگیرد احتمال دارد گروه‌های تروریستی و به‌ویژه تروریسم جمهوری اسلامی را تشویق کند. بنابراین، ضرورت دارد که این ترور پاریس و همچنین کشتارهای جمهوری اسلامی و تروریسم این حکومت در سطح بین‌المللی را با صدای بلند محکوم کرد!

عبدالله اوجالان از سال ۱۹۹۹ تاکنون در زندان فوق‌امنیتی گروه F جزیره امرالی در حومه استانبول، تحت ایزولاسیون شدیدی قرار دارد. به‌امید این که عبدالله اوجالان، نه تنها آزاد شود، بلکه خودمدیریتی دموکراتیک در سراسر ترکیه پیاده گردد. و همه کسانی که تاکنون جنگ و خونریزی به‌ویژه علیه مردم کرد، ارمنی، علوی و...، همچنین مخالفین، جنبش‌های اجتماعی، سانسور و اختناق و ترور راه انداخته‌اند و در راس همه رجب‌طیب اردوغان به دلیل جنایت علیه بشریت محاکمه شود.

حمله تروریستی به مرکز فرهنگی احمد کایا، نه تنها حمله به خلق کرد، بلکه به انسانیت و حق حیات همه مهاجران و پناهندگان است.

بی‌گمان هر انسان و جریان آزاده و انسان‌دوستی که صراحتاً مخالف ترور و کشتار است، این حمله تروریستی به مرکز فرهنگی کردی احمد کایا در پاریس را صریحاً محکوم می‌کند.

یاد همه کسانی که در این حمله و همچنین در راه مبارزه آزادی‌خواهانه، برابری‌طلبانه و عدالت‌جویانه در شهرها و کوه‌ها، جان خود را از دست دادند گرامی باد!

شنبه سوم دی- جدی- ۱۴۰۱- بیست و چهارم دسمبر ۲۰۲۲